

The principles of the right on environment in the Imamiya fiqh*Iran Soleimani¹**Masoud Raei²**Sayyed Hossain Vaezi³***Abstract**

Right on the environment is the emergence of a new discussion that has not seriously been discussed in ImamiyaFiqh hitherto. Researcher has borrowed the term from the third generation of human right and is to investigate it in ImamiyaFiqh. In order to prove this right, evidence and resources and the principles and objectives of this right in Fiqh should be referred to. To achieve this important issue, descriptive - analytic method was used. Finding from this paper shows that environment in Imamiya Fiqh with a loan-type approach is a collective right and it is the realization of a collective and legal responsibility; in order to protect this collective profit to all generations, speaking is about being lawful and unlawful, and punishing the aggressors to the environment. Its forcible transfer due to the death requires that all people - in addition to the external executive assurance - have internal executive assurance resulted from legal rights so that offending person, becomes guarantor and punishable.

Keywords

Fiqh, Collective Rights, Environment, Human Society

Please cite this article as: Soleimani I, Raei M, Vaezi SH. The principles of the right on environment in the Imamiya fiqh. *Iran J Bioethics* 2016; 6(19): 75-100.

1. Islamic Azad University, Khorasgan (Isfahan) Branch, Department of Theology and Islamic Teachings, Speciality: Fiqh and Islamic Jurisprudence, Isfahan, Iran. (Corresponding author) Email: I.soleimani.129@gmail.com

2. Law Department, Faculty of Law and Theology and Islamic Teachings, Najaf-Aabaad Branch, Isfahan, Iran.

3. Islamic Azad University, Khorasgan (Isfahan) Branch, Department of Theology and Islamic Teachings, Speciality: Fiqh and Islamic Jurisprudence, Isfahan, Iran.

Original Article Received: 19 May 2015 Accepted: 3 November 2015

مبانی حق بر محیط زیست در فقه امامیه

ایران سلیمانی^۱

مسعود راعی^۲

سیدحسین واعظی^۳

چکیده

حق بر محیط زیست بحث نوپدیدی در ادبیات حقوق بشری و اصطلاحی است برای تبیین حق همگان در بهره‌برداری از محیط زیست که در آن جامعه بشری و محیط زیست طرف تکلیف هستند که برای دستیابی و شناسایی این حق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شد. یافته‌های تحقیق این است که ظرفیت‌های موجود در فقه به گونه‌ای است که بتوان به اثبات حق بر محیط زیست به عنوان حق جمعی پرداخت که هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه است؛ به استناد ادله فقهی پذیرش نگاه امانت‌گونه به محیط زیست آثار متعددی از جمله تحقق مسؤلیت مشترک در همگان نسبت به محیط زیست می‌باشد. فقه امامیه در صیانت از محیط زیست از طریق حق‌انگاری از آموزه‌های زیادی برخوردار است که در سایه مؤلفه‌های معنوی همچون رعایت عدالت و پرورش انسان‌های متعهد و توحیدمحور و معادباور محقق می‌گردد. این تحقیق از سال ۱۳۹۱ شروع و در سال ۱۳۹۴ به اتمام رسیده است که مقالات متعددی نیز از آن استخراج و در مجلات و همایش‌ها چاپ گردیده است، از جمله قرآن و محیط زیست، بررسی پایه اصلی حق بر محیط زیست در فقه امامیه و حقوق و قوانین محیط زیست.

واژگان کلیدی

فقه، محیط زیست، حق، امانت، مسؤلیت همگانی

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و حقوق اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: I.soleimani.129@gmail.com

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، اصفهان، ایران.

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و حقوق اسلامی، اصفهان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۲

مقدمه

از نگاه دین‌باوران، چون خداوند علیم و حکیم، آفریدگار بشر است، پس نسبت به ساختار وجودی و مصالح و مفسد معیشتی و نیازهای حقیقی او در ابعاد گوناگون مادی و معنوی علم کامل و اشراف تمام دارد و همه بایدها و نبایدها و احکام الهی مبتنی بر این حقیقت است «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹) پیروی از احکام شریعت و عمل نمودن به توصیه‌های دین اسلام، سعادت‌بخش و برطرف‌کننده مشکلات بشری است که همان «حفظ حقوق بین نسلی» و حق انسان در بهرمندی از محیط زیست سالم به عناوین مختلف مطرح گردیده است. حق بر محیط زیست که تاکنون در فقه امامیه به طور جدی بحث نشده، اما در نسل سوم حقوق بشر در حقوق بین‌الملل به جنبه‌های نظری آن اشاراتی شده است که این تحقیق به دنبال آن در فقه امامیه است. جهت اثبات این حق به ادله و منابع و مبانی محیط زیست در فقه امامیه رجوع و به این نتیجه رسیده است که فقه امامیه نسبت به محیط زیست، رویکرد امانت‌گونه جهت تحقق یک مسؤولیت جمعی و حقوقی دارد. سخن از حلال و حرام‌بودن، مجازات‌کردن متعدیان و متجاوزان به محیط زیست است تا این منفعت جمعی برای تمام نسل‌ها حفظ شود. ویژگی این حق آن است که هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت است. انسان‌ها نسبت به آن تعهداتی دارند که در صورت ورود ضرر طبق قواعد فقهیه لاضرر و اتلاف و تسبیب و ضمان و احترام و دلیل عقل و سیره عقلا... قابل مطالبه است، پس با به خطرافتادن محیط زیست انسان بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حق انسان، یعنی حق حیات وی به مخاطره می‌افتد، به همین جهت جامعه بشری باید حیات اجتماعی را با اتخاذ دستورات فقهی چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی و فرهنگی و معنوی حیات باشد و در حفظ این حق و حریم که به عنوان حق‌الناس و امانت الهی است، کوشا باشند. این مقاله درصدد رسیدن به چنین حق جمعی که یک حق حقوقی و امانت الهی است، تدوین گردیده است.

ماهیت حق بر محیط زیست در فقه

حق بر محیط زیست در حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از اقلام حقوق بشر، یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم، همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها محسوب می‌شود، در فقه طرح این حق به خوبی در روابط موجود میان محیط زیست و استقرار و تداوم حیات بشری

بازنمایی می‌کند. حق انسان‌ها در داشتن محیط زیستی امن و سالم، به عنوان یک حق جمعی در کنار سایر حقوق شناخته‌شده برای بشر می‌باشد؛ از آنجا که منشأ پیدایش حق، عطف به آفرینش انسان است، شاید این حق به صراحت در قرآن اشاره نشده باشد، اما با دلالت تضمینی و دلالت التزامی از آیات قرآن و قواعد فقهی و شأنی که خداوند به انسان داده است، می‌توان دریافت که هر گونه ضرر رساندن به خود و به دیگر افراد و موجودات ممنوع است (۱)، لذا نگرش و آموزه‌های دینی می‌تواند نقش مهم و بنیادینی در شناسایی ماهیت حق بر محیط زیست با ارائه بینش صحیح ایفا نماید، ماهیت حق بر محیط زیست که ترکیبی از حق و تکلیف است، ماهیتی که در آن، جامعه بشری هم محق هستند و هم مکلف که در آن بیشتر حفظ و پایداری حق و جلوگیری از عدم تضييع حقوق دیگران مطرح است؛ همچنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر آنچه از پیش فرستاده‌اید با آثارش از برای شما می‌نویسیم، خلاف را می‌نویسیم و آثار آن را هم می‌نویسیم» (یس: ۱۲). نشانگر این است که هر انسانی در مقابل اعمال خود اعم از خوب و بد ضامن است. در هیچ مکتبی به اندازه مکتب الهی و انسان‌ساز به لوازم و نیازها و ضروریات انسان توجه نشده است، حقوق و تکالیف انسان از قبل از تولد تا پس از مرگ در تمام ابعاد، در جمیع جهات و در همه زمینه‌ها با کمال دقت و موشکافی مورد تشریح آسمانی واقع شده است. محیط زیست و نحوه بهره‌برداری نیز از این قاعده مستثنا نبوده، لذا آن را اختصاص به نسل خاص و زمان خاص و افراد خاص نمی‌داند و همگان حق بهره‌برداری بهینه بدون تعدی و تفریط را دارند. به همین منظور و برای حفظ حق همگان اسلام زمین را محلی برای تطهیر و عبادت خدا تلقی می‌کند (۲۷). رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زمین محلی برای عبادت و تطهیر من و مسلمانان قرار داده شده است» (۲۷). بر این اساس آنچه طبیعت را موضوع حق و بهرمندی انسان قرار می‌دهد، نیازمندی موجود انسانی است (۲) و فقط در خدمت نسل فعلی نیست، بلکه هدیه خداوند برای همه زمان‌هاست (بقره: ۲۹). انسان‌ها مالک جهان نیستند، بلکه حافظ تداوم نظم معینی هستند که خداوند برای آن‌ها و برای حیواناتی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، مقرر فرموده است (نازعات: ۳۳-۳۰)، لذا درمی‌یابیم آموزه‌های فقهی در تمام ابعاد بشری از ظرفیت و توانایی کامل و مطلق برخوردار است که مبنایی‌ترین آموزه فکری در این راستا ایجاد رویکرد امانت‌گونه در همگان و حفظ منفعت جمعی محیط زیست است.

مبانی حق بر محیط زیست در فقه امامیه

بازگشت حق بر محیط زیست، بیانی از تکلیف ما نسبت به محیط زیست است، تکلیفی که عمل به تعهدات انسان را به دنبال دارد. از این رو بحران زیست محیطی بشریت، بحرانی معنوی است نه مادی و ریشه در جهان‌بینی‌ها و نگرش‌ها و نگاه انسان امروز به طبیعت دارد. مشکلات زیست‌محیطی که به دست انسان به وجود آمده است، تماماً نمی‌توانند با به کارگیری فناوری صرف، حل شوند، لذا تغییرات در رفتار انسان مورد نیاز است (۳). پیامبر اکرم (ص) در سیره و احادیث خود، نه تنها برای عبادت جمعی، قانون مدنی، آداب و معاشرت اجتماعی، بلکه برای کاشت درخت، نگهداری جنگل و حفظ محیط زیست اهمیت زیادی قائل بود (۴) و به شعارهای محوری ویژه‌ای پافشاری کرده‌اند. با تکیه بر مؤلفه‌های معنوی انسان مانند تقوا، معاد باوری و توحیدمحوری و به کارگیری قواعد، تقدیم اهم بر مهم، مصلحت عمومی، لاضرر، عدالت، اختیارات حاکم اسلامی، همچنین مفتوح بودن باب اجتهاد، جایگاه محیط زیست و نقش آن در حیات انسان و وظایف و تکالیف و مسؤولیت انسان در قبال آن مشخص می‌گردد. این‌که چرا با وجود تأکیدات دین مبین اسلام بر پاکیزگی، نظافت و رعایت حقوق طبیعت، باز هم شاهد ناهنجاری‌های زیست‌محیطی هستیم، می‌تواند به این دلیل باشد که مردم و مسؤولان از آموزه‌های دینی یا آگاهی ندارند و یا اگر آگاهی دارند به آن‌ها عمل نمی‌نمایند. به عبارت دیگر دیندانی لزوماً با دینداری مترادف نیست، به همین منظور ریشه اساسی را در مؤلفه‌های معنوی و مبانی حق بر محیط زیست باید مورد نظر قرار داد:

۱- خدا باوری

در آموزه دینی و قرآن و روایات رسیده که پیامبر (ص) و امامان اهل بیت (ع) با تعبیرهای مؤکد و گوناگون از آدمیان خواسته شده تا با «ایمان آوردن» به رهایی خود بپردازند، لذا ایمان و اعتقاد به خدا و معاد و مسؤولیت انسان است که می‌تواند موجب سعادت دنیوی و اخروی و حافظ انسان و محیط زندگانی و ارتباط بین آن دو را فراهم نماید؛ می‌توان گفت راه حل معمای هدف از خلقت و چگونه‌زیستن، حق حیات و حفظ کرامت انسان و حفظ حقوق نسل‌های آینده در استفاده از محیط زیست در وضع قوانین و تعهدات چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی و اجرایی کردن آن‌ها نیست، بلکه راه حل آن در افراد و اشخاصی است که این قوانین را وضع و اجرا می‌کنند. به طور مثال اگر مأمور ناظر بر بهداشت کارخانه‌های تولید مواد غذایی با

گرفتن رشوه، جلوی جنس‌های مضر را نگیرد و یا افرادی مواد سمی غیر استاندارد را وارد چرخه مواد غذایی نموده و باعث آلودگی محیط و بالتبع افراد شود. هم رشوه‌دهنده و هم واردکننده، ظلم کرده است و بالاتر از آن، ظلمی است که موجب ضرر غیر مستقیم شده است و رشوه‌گیرنده و ناظر بر واردکننده کالا با این کار جلوی اضرار به جامعه نمی‌ایستند، این تخریب و آلودگی اضرار به مردم است. این در حالی است که قوانین و قواعد حافظ محیط زیست فراوان است، اما عامل خاطی، ضامن خسارات مادی و معنوی انسان است در این میان وجود ایمان به اصول دین و متعلقات آن مخصوصاً معاد قطعاً چاره‌ساز خواهد بود. بر طبق این عقیده زندگی در این جهان در واقع، آغاز زندگی برای انسان است و داستان حیات انسان با مرگ خاتمه نمی‌یابد، بلکه این جهان زمینه و ظرفی برای بالندگی روح او و انتقال روح به جهان دیگر است. بر پایه آیات و روایات در آن جهان انسان‌ها در محضر پروردگار عالم باید پاسخگوی اعمال خود باشند. اعمال و رفتاری که انسان باید پاسخگوی آن‌ها باشد، بسیار گسترده است و برخورد با طبیعت در زمره آن‌ها قرار دارد (۵). خداوند می‌فرماید: «به پروردگارت سوگند که از همه آن‌ها پرسش می‌کنیم از آنچه می‌کردند» (حجر: ۹۳-۹۲). به همین منظور در فقه امامیه سعی بر آن است؛ ضمن بیان باورهای اعتقادی و اخلاقی، توصیه و تأکیدهای دینی، تلاش برای تحقق آن‌ها در جامعه بشری اعم از ملت و دولت به یک ساز و کار نظارتی و حمایت مطلوب و کارآمد نائل شود، چراکه جهت‌گیری اولیه مکاتب الهی و به ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی اوست؛ انسان معتقد و تربیت‌شده در دامن مکاتب الهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی، رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی درباره تضییع حقوق هم‌نوعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه و خیانت در امانت به همراه نخواهد داشت.

۲- امانت‌داری

در میان مخلوقات چیزی که انسان را متمایز می‌کند، قبول کردن امانت الهی است که به او عرضه شده (احزاب: ۷۲)، گرچه این امانت بزرگ، امکانات و آزادی‌ها و مسؤولیت‌هایی را برای انسان به وجود می‌آورد، اما به هر حال از امانت‌دار انتظار می‌رود که مسؤولیت خود را به خوبی انجام دهد (انفال: ۳۷؛ نساء: ۵۸)، چون خداوند همه نعمت‌های مادی و معنوی خویش را از طبیعت بر بندگان ارائه کرد، آن‌ها را از خیانت باز داشت. لازمه این بیان آن است که انسان‌ها به

طور کامل و بدون هر گونه نقصی و کاستی محدوده بهره‌برداری از طبیعت را رعایت کنند. کوتاهی در این زمینه به معنای نابودی میراث مهم بشریت در دو حوزه مادی و معنوی است. قرآن کریم با بهرمندی از وصف مؤمنانه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به این مهم توجه داده است که رعایت امانت، صفت مؤمنان است و خیانت از صفات منافقان می‌باشد. پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) دو خصلت دروغ‌گویی و خیانت را از مؤمن دور دانسته‌اند (۶). از آنجا که دیدگاه کلیدی در مورد اسلام آخرت است که اعمال به خود انسان باز می‌گردد و نسبت به تمامی اعمالی که مرتکب شده، مجازات می‌شود (یس: ۵۴). او مجبور به حمایت از دستاوردهای حال و حفظ آن برای آیندگان است. آخرت‌شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. انسان باید نشان دهد که نه تنها به عنوان یک امانت‌دار، بلکه به عنوان یک خلیفه خدا نسبت به این امانت (محیط زیست) توجه دارد. طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیزی دیگر و انسان همراه با به دست آوردن تقوای الهی حق چیره‌شدن را دارد بدون این‌که مقاومتی و جنگی در برابر آن داشته باشد و انسان نباید از قدرت، توانایی‌ها، استعدادها و حقوقش بدون در نظر گرفتن مسؤولیتش در امانت‌داری، از امانت سوء استفاده کند. وحی و شریعت نیز برای راهنمایی انسان در به جا آوردن همان امانت‌داری آورده شده است (۷). از این رو رویکرد امانت‌گونه به هستی به طور عام و به محیط زیست به طور خاص از امتیازات و ویژگی‌های دیدگاه اسلام در حفظ محیط است و شارع مقدس در حد یک توصیه اخلاقی نسبت به آن بسنده نکرده است و با استفاده از ابزارهای اعتقادی و اخلاقی همچون ایمان و تقوا سعی کرده است آن را اجرایی کند. از ویژگی‌های مهم این دیدگاه افزایش تعهدات افراد نسبت به محیط زیست با استفاده از ضمانت درونی به جای ضمانت بیرونی است (۸). محدود کردن علت اصلی بحران زیست‌محیطی و جستجوی راه حل‌ها در موضوعات ظاهری و مادی اشتباهی بزرگ است و راهی است که هیچ‌گاه به مقصد نمی‌رسد، چراکه بحران زیست محیطی بشریت، بحرانی است معنوی نه مادی و ریشه در جهان‌بینی‌ها و نگرش‌ها که نگاه انسان امروز به طبیعت و تفسیری از طبیعت ارائه می‌دهد، دارد و مادام که نگاه انسان معاصر به عالم هستی بر بنیادی غیر مادی استوار نگردد و رابطه او با محیط پیرامونش اصلاح نشود، از چنبره این بحران نجات نخواهد یافت و به یک کلمه صریح می‌توان گفت که اصلاح وضع موجود جز با نگرش به عالم هستی ممکن نمی‌شود (۳)، پس فقط با تقویت بنیه دینی و ایجاد قوه امانت‌داری به راحتی می‌توان این بحران را مهار کرد.

از آنجا که نگاه فقه امامیه نسبت به محیط زیست این است که محیط زیست به عنوان امانت در اختیار انسان نهاده شده است که حاکی از اهمیت والای این حق است و بر هر انسان مؤمنی چه منفرداً و چه مجتمعاً واجب است این امانت الهی را حفظ کند و از هر گونه تعدی و تخریب آن خودداری نماید، در غیر این صورت خائن و گناهکار مستوجب مجازات است.

۳- عدالت اجتماعی

یکی از مبانی مهم حق بر محیط زیست، عدالت است، لذا هم قانونگذار، هم پیروان قانون باید از قواعد عدالت اجتماعی پیروی کنند (الرحمن: ۹-۷). قاعده‌ای که به عنوان حقوق قابل احترام است که علاوه بر تأمین آسایش و نظم عمومی، حافظ عدالت باشند. عدالت رفتار پسندیده و مورد تأیید عقل و شرع بوده عمل بر طبق آن واجب است، در کلام آمده است «بدان که عدالت عبارت از حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضائل اخلاقیه است (۹)». در مکتب تربیت زیست‌محیطی، عدل از اصول اساسی در امور اجتماعی به حساب آمده، به طوری که هیچ فرد یا گروهی مجاز نیست منابع را به طریقی مورد بهره‌کشی قرار دهد که موجب زیان به دیگران شود. عالم هستی بر اساس عدالت برقرار شده است، از زوایای مختلف عدالت در حیات جامعه بشری مشهود است: عدالت در آفرینش (عدالت تکوینی)؛ عدالت در قانونگذاری (عدالت تشریحی)، عدالت در توزیع منابع طبیعی در آموزه‌های دینی، عدالت در بهره‌برداری از محیط زیست و... پس امر خداوند به عدل به اطلاق خود، شامل عدالت در توزیع ثروت‌های طبیعی و بهره‌برداری از محیط زیست سالم که از بارزترین مصداق آن است، می‌شود اگر تبعیض‌های مختلف در بهره‌برداری از منابع طبیعی بین افراد یا کشورها دیده می‌شود از ناحیه خود افراد بشر است و در میزان الهی راه ندارد. از طرفی همه افراد بشر نسبت به کانال فیض خداوند هیچ تفاوتی با هم ندارند، همه سهم برابر دارند. از آنجا که عدالت یا متعلق اخلاق یا تقسیم اموال یا معاملات یا داد و ستد یا احکام و سیاست‌ها مربوط می‌شود عادل در هر یک از این موارد برای برقراری تساوی و تعادل افراط و تفریط را به اعتدال و میانه باز می‌گرداند، عادل حقیقی باید به قوانین الهی، عالم باشد تا بتواند در امور، حفظ مساوات کند (۲۸)، لذا عدالت در نحوه بهره‌برداری اقتضا می‌کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت‌های آینده را در نظر بگیرد، چنان که حقوق سایر هم‌نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد. آیات فوق بیان می‌دارد که همه افراد بشر حق بهره‌برداری عادلانه و منصفانه از

محیط زیست را دارند تا زمینه بهره‌برداری دیگران نیز فراهم گردد و حق کسی ضایع نگردد. موسوی خمینی می‌نویسد: «ولی امر حق ندارد یک ناحیه را بیشتر از ناحیه دیگر توجه کند و حق ندارد یک طرف کشور را زیادت‌تر از طرف دیگر آباد نماید» (۱۰)، یعنی باید عدالت در تمام جوانب بهره‌برداری که حق مسلم افراد است حفظ شود. علی (ع) می‌فرماید: «آنچه را خداوند به تو داده است نباید بیهوده نابود کنی، پس به طریق اولی حق نداری حق دیگران را ضایع نمایی، باید برگردانی» (۱۱). بی‌تردید عدالت در بهره‌برداری از محیط زیست نیز بخشی از این آرمان‌ها و آرزوهای وسیع را نمایان می‌سازد. عدالت در بهره‌برداری از محیط زیست اقتضا می‌کند که برخورداری از مواهب طبیعی به یک نسل اختصاص ندارد، لذا هر گونه استفاده‌ای که منجر به نابودی یا آلوده‌سازی محیط زیست شود و زندگی را برای دیگر انسان‌ها مشکل سازد، به دور از عدالت است.

۴- خلافت و جانشینی

بر اساس آیات الهی (بقره: ۳۰؛ مؤمن: ۱۶) انسان در بهرمندی از محیط زیست، الزام به حق بر محیط زیست و ورع در به دست‌آوردن، ادب در به کاربردن، هدف در مصرف‌نمودن را یعنی حق استفاده موقت را دارد. طبیعت و محیط زیست در همه ابعاد خود ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست، تا هر طور که خواست در آن تصرف کند، هیچ نسلی از بشر نیز نمی‌تواند چنین حقی برای خود ادعا نماید، بلکه محیط زیست، پشتوانه و اعتبار دائمی همه انسان‌هاست و این همان مسأله مهمی است که باید در تربیت انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد تا هیچ نسلی، اجازه نیابد به نفع خود از طبیعت استفاده‌هایی بی‌جا کرده و آن را فرسوده، ضایع و آلوده کند. جانشین، حق انجام‌دادن کاری را مخالف اراده و خواست کسی که به جای او نشسته، ندارد و چون اراده خداوند بر وجود هماهنگی و توازن در طبیعت و هستی تعلق گرفته، جانشین او هم باید در همین راستا گام بردارد و حق ندارد برخلاف خواست و اراده خداوند کاری انجام دهد. اگر چنین کند، به طور قطع حق جانشینی را به جای نیاورده و از محدوده خلافت پا فراتر نهاده است و بدین صورت از جانشینی کنار گذاشته می‌شود. از این رو انسان برای پاسداری از عنوان جانشینی خود باید به عدالت در حفظ توازن و هماهنگی جهان همت بگمارد (۱۲). بنابراین خداوند با نهادینه‌سازی ظرفیت علمی برای انسان در سلطه بر طبیعت و زمین او را خلیفه خویش در آن قرار داده و او را به بهره‌گیری از مواهب و فضل خود در زمین فرا خوانده تا به اطراف و

اکناف آن قدم بردارد و از روزی آن بهره جوید (جمعه: ۱۰). جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که جامعه بشری امکان بهره‌وری همگانی و همیشگی را در زمین فراهم آورد. تنها انسان‌های عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت از آلوده‌سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند (۱۳). زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای است الهی که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آن‌ها پدید آمده است. از این روی انسان مسؤول حفظ طبیعت است. پیامبر اکرم (ص) بر حرمت‌نهادن بر زمین تأکید می‌ورزد و آن را به منزله مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید که از اعمال نیک و بد انسان خبر می‌دهد، معرفی می‌نماید: «حفظوا من الأرض فانها امکم و ائنه لیس» (۱۴). جایگاه خلیفه الهی اقتضا می‌کند همچنان که نسل حاضر این محیط را پاک و سالم از نسل‌های پیش تحویل گرفته‌اند، باید محیط پاک و سالم که قدرت باروری و بازدهی همیشگی داشته باشد، به نسل آینده بسپارند.

اهداف حق بر محیط زیست در فقه امامیه

هدف تعالیم اسلام و فقه امامیه ارائه قواعد و سیستمی از ارزش‌هاست که ملحوظ‌داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. این سیستم دربرگیرنده مباحث مربوط به محیط زیست، تبیین مبانی و نحوه استفاده از منابع، ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر، نحوه نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آن‌ها که همگی در گرو شناسایی حق بر محیط زیست سالم بوده که نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است (۱۵). هدف حق بر محیط زیست، نگاهداری محیط زیست و تضمین بقای جامعه بشری و رسیدن به تکامل است. به عبارت دیگر یکی از راه‌های حفظ محیط زیست حق‌انگاری است، آن هم با رویکرد حق حقوقی نه حق اخلاقی که در قالب وجوب و حرمت در آموزه‌های دینی بیان شده است، لذا رجوع به اهداف به منظور یافتن نقطه و منظرگاهی است که شارع مقدس با امضاکردن می‌خواهد ما را به آن غایت که حق جمعی است، برساند:

۱- منفعت جمعی و حق همگانی محیط زیست

مواهب طبیعی مربوط به همه افراد جامعه بوده و برای همه خلق شده است (ابراهیم: ۳۲؛ بقره: ۲۹). علامه طباطبایی در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمیع اموال برای همه است خداوند آن اصل را در آیاتی مورد تأکید قرار داده است (۹). این همان اصل همگانی بودن ثروت‌های طبیعی است که اختصاص به فرد و قشر خاصی ندارد، اما باید به طور اصولی و صحیح، ضمن رفع نیازهای خود، حقوق دیگر انسان‌ها در همه دوره‌ها رعایت کند. بر مبنای آیات کریمه (الرحمن: ۱۰)، زمین و محیط زیست آن حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهرمنند شوند. تعبیراتی نظیر: «لکم = برای شما»، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند که این نعمت‌ها برای همه مردم و حق همه آن‌هاست صرف نظر از هر گونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... و همه حق دارند از این نعمت ارزشمند الهی بهرمنند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند و عبادات و تکالیف خود را به نحو احسن انجام دهند، لذا محیط زیست حق جمعی است و سود و زیانش متوجه ابنای بشری است، به همین خاطر همگان مکلف و ملزم به رعایت این حق جمعی هستند و در قبال آن مسؤول می‌باشند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است» (۱۶). مسؤولیت در فقه با عنوان ضمان مطرح شده است، به این صورت که مسؤولیت زیست محیطی می‌تواند یا ناشی از اتلاف باشد یا تسبیب یا تعدی و تفریط یا تقصیر، فقهای شیعه مبنای مسؤولیت را با عناوین متعدد بیان نموده‌اند؛ شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در سرائر، سرایت ناشی از فعل ممنوع و سرایتی که به فعل حادث شده را مبنای مسؤولیت گرفته و سرایت از فعل مباح را موجب عدم مسؤولیت قرار می‌دهند (۱۷). علامه در تذکره، عدم تعدی و سرایت از فعل مباح را مبنای مسؤولیت و عدم مسؤولیت قرار می‌دهد. شهید ثانی در مسالک از نظریه «تفریط مقتضای ضمان» و «سببیت موجب ضمان» برای مسؤولیت نام می‌برد (۱۸). برخی از محققان نوشته‌اند: «انسان، به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد،

بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید» (۱۹). خداوند به ابنای بشری متذکر می‌شود که او وارث زمین بوده و انسان مسؤول، کسی است که قدر محیط زیست خود را به خوبی دانسته و آن را مورد محافظت قرار دهد و از آن به نحو احسن بهره‌برداری نماید (۲۰). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «تقوا پیشه کنید در حق بندگان و شهرها که شما مسؤول هستید، حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان» (۲۱). انسان هرگز اجازه ندارد خود را رها و لجام‌گسیخته و آزاد در بهره‌برداری از طبیعت بداند و حق ندارد با آلوده کردن و ویران‌ساختن طبیعت به آسایش برسد. آلودگی محیط زیست به زیان انسان و همه موجودات تمام می‌شود (۲۲). مجلسی می‌نویسد: «سؤال از زمین‌ها آنکه چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سؤال از چهارپایان آنکه چرا آن‌ها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان نمودید؟» (۲۳) معلوم می‌گردد مسؤولیت انسان در قبال پدیده‌ها و اشیای پیرامون بسیار جدی و همه‌جانبه است. انسان معادباور به احساس مسؤولیت و خدمت‌گزاری بی‌منت و... در تحصیل زاد و توشه آخرت اعتقاد دارد و آن را سر لوحه کار خود قرار می‌دهد و نیز می‌فرماید: «هر که به مکافات یقین داشته باشد، جز کار خوب برنگزیند» (۲۴)، چراکه بازخورد اعمال به خود انسان برمی‌گردد که مفهوم مسؤولیت نیز همین است، لذا همگان اعم از ملت و دولت مسؤول حفظ محیط زیست هستند که هر کدام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از آنجا که سرنوشت انسان‌ها به هم گره خورده است، آثار پذیرش حق بر محیط زیست ایجاد مسؤولیت مشترک نسبت به این حق است که اثرات دنیوی و اخروی به همراه دارد.

۲- مسؤولیت همگانی در حفظ محیط زیست

قوانین الهی شریعت، وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعی و محیط زیست، به صراحت معین کرده، از مفاهیمی چون رحمت، آیه، خلافت، تسخیر و نعمت در قرآن کریم می‌توان دریافت که طبیعت و محیط زیست طبیعی امانت خداوند متعال برای موجودات زنده و آدمیان است تا آدمی با رعایت سنت‌های الهی بر حفظ و توسعه آن همت ورزد و آن را از آلودگی‌ها و تخریب مصون نماید، لذا انسان در برابر خداوند موجودات و بلکه تمامی آفرینش مسؤول است. مسؤولیت در فقه با عنوان ضمان مطرح شده است، به این صورت که مسؤولیت زیست محیطی می‌تواند یا ناشی از اتلاف باشد یا تسبیب یا تعدی و تفریط یا تقصیر. موسوی خمینی می‌نویسد: «ضمان دو سبب دارد: اتلاف و تسبیب» (۱۰)، فقهای شیعه مبنای مسؤولیت را با عناوین متعدد

بیان نموده‌اند، شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در سرائر سرایت ناشی از فعل ممنوع و سرایتی که به فعل حادث شده را مبنای مسؤولیت گرفته و سرایت از فعل مباح را موجب عدم مسؤولیت قرار می‌دهند (۱۷). علامه در تذکره، عدم تعدی و سرایت از فعل مباح را مبنای مسؤولیت و عدم مسؤولیت قرار می‌دهد. شهید ثانی در مسالک از نظریه «تفریط مقتضای ضمان» و «سببیت موجب ضمان» برای مسؤولیت نام می‌برد (۱۸). برخی از محققان نوشته‌اند: «انسان به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید (۱۹). او نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید و از آنان حمایت کند» (۳). مفاد مطالب مذکور نشانگر مسؤولیت جامعه بشری در قبال بهره‌برداری و حفاظت از محیط زیست است. خداوند به ابنای بشری متذکر می‌شود که او وارث زمین بوده و انسان مسؤول، انسانی است که قدر محیط زیست خود را به خوبی دانسته و آن را مورد محافظت قرار دهد و از آن به نحو احسن بهره‌برداری نماید (۲۰). زمانی نعمت‌ها و امکانات در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند که از آن‌ها به درستی بهره‌برداری و از افراط و تفریط پرهیز شود که این امر مستلزم وجود افراد مسؤول و باوجدان و باتقواست. پیامبر اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید، زیرا همه شما مسؤولید، حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات، پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید.» امام علی (ع) می‌فرماید: «تقوالله فی عباد و بلاده فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم؛ تقوا پیشه کنید در حق بندگان و شهرها که شما مسؤول هستید، حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان» (۲۱). انسان هرگز اجازه ندارد خود را رها، لجام‌گسیخته و آزاد در بهره‌برداری از طبیعت بداند و حق ندارد با آلوده کردن و ویران ساختن طبیعت به آسایش برسد. طبیعت نعمتی است که خداوند به امانت در اختیار انسان قرار داده و آدمیان در برابر چگونگی بهره‌برداری از آن مسؤول هستند. از آنجا که آلودگی محیط زیست به زیان انسان و همه موجودات تمام می‌شود (۲۲)، لذا زیان‌زننده مسؤول و مستوجب بازخواست و مجازات می‌گردد. علامه مجلسی در شرح این عبارت می‌نویسد: «سؤال از زمین‌ها آنکه چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرستیدید و سؤال از چهارپایان آنکه چرا آن‌ها را گرسنه رها

کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان نمودید؟ (۲۳) معلوم می‌گردد مسؤلیت انسان در قبال پدیده‌ها و اشیای پیرامون بسیار جدی و همه‌جانبه است.»

امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مالک اهتمام تو به آباد کردن زمین بیش از همت گماردن تو به جمع‌آوری درآمد باشد، چون درآمد بدون آبادانی حاصل نمی‌شود» (۱۱). انسان معادباور به احساس مسؤلیت و خدمت‌گزاری بی‌منت و... در تحصیل زاد و توشه آخرت اعتقاد دارد و آن را سر لوحه کار خود قرار می‌دهد و نیز می‌فرماید: «من أيقن بالمجازاه لم يؤثر غير الحسني؛ هر که به مکافات یقین داشته باشد، جز کار خوب برنگزیند» (۲۴)، چراکه بازخورد اعمال به خود انسان برمی‌گردد که مفهوم مسؤلیت نیز همین است، لذا همگان مسؤول حفظ محیط زیست هستند که هر کدام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از این رو می‌توان گفت: از آنجا که سرنوشت انسان‌ها به هم گره خورده است، آثار پذیرش حق بر محیط زیست ایجاد مسؤلیت مشترک نسبت به این حق است که اثرات دنیوی و اخروی به همراه دارد.

۳- نظریه تقصیر

با توجه به این که در این تحقیق به دنبال حق بر محیط زیست در فقه امامیه هستیم که در آن شارع مقدس نسبت به محیط زیست رویکرد امانت‌گونه دارد، لذا خاطی و عامل زیان به محیط زیست به طور اعم، چه با تقصیر چه بدون تقصیر ضامن خسارت وارده به محیط زیست است. درحالی که طبق نظریه تقصیر که سنتی‌ترین نظریه در مسؤلیت مدنی محیط زیست است. خسارات زیست‌محیطی قابل مطالبه نیستند، مگر این که بتوان عامل ورود خسارت را اثبات کرد. بنابراین زیان‌دیده اگر بتواند ثابت کند که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسؤول خواهد بود (۲۵).

منابع فقهی حق بر محیط زیست سالم

در فقه امامیه، منابعی که وجود چنین حقی را ثابت می‌کند و از ظرفیت‌های بسیار بالایی در جهت وضع مقررات حفاظت از محیط زیست برخوردارند، لذا با استناد به ادله اربعه هر گونه تضییع حق نسبت به خود و به دیگر افراد و موجودات و محیط زیست ممنوع و حرام است که به طور عام ایجاباً و سلباً احکام محیط زیست را بیان می‌دارند و به گونه وجوب، حرمت، مستحب و مکروه که بعضاً صورت تکلیفی دارند و بعضاً صورت وضعی. اسلام به عنوان دین

خاتم، رسالت ارائه برنامه‌ای جامع را برای سعادت و تکامل مادی و معنوی فرد و جامعه بر عهده دارد. خداوند متعال نیز بر این معنا که از بیان هیچ چیز در قرآن فروگذار نشده و بیان کامل هر چیزی در آن آمده است (۲۶)، تأکید دارد، لیکن این بدان معنی نیست که برای هر موضوع با عنوان ویژه و متداول امروزی آن، حکم خاصی مقرر داشته است، بلکه احیاناً کلیات و یا اصول و قواعدی وضع نموده که می‌توان از آن حکم موضوع مورد نظر را به دست آورد. مسأله محیط زیست از همین قبیل است که به کمک آن‌ها می‌توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به دست آورد:

۱- کتاب

قرآن کریم سفارش می‌کند که با کارهای خود موجبات هلاکت و نابودی خویش را فراهم نکنید (بقره: ۱۹۵). مفسر بزرگ قرآن کریم، علامه طباطبایی می‌گوید: «این آیه مطلق است و در نتیجه نهی در آن نهی از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی است» (۹). از طرف دیگر هدف خلقت انسان جز عبادت چیز دیگری نیست (ذاریات: ۵۶)، لذا در شرع مقدس اسلام، انسان مجاز نیست با رفتار خود محیط زندگی خود و دیگران را که محل عبادت است، آلوده کرده و در برابر ضروری‌ترین مسائل بهداشتی بی‌تفاوت باشد. از مجموع گزاره‌های سلبی، عدم افساد (انفال: ۲۵؛ بقره: ۲۰۵؛ اعراف: ۸۵) و عدم اسراف (اعراف: ۳۱؛ غافر: ۴۳؛ انعام: ۱۴۱) خطاب اهل جهنم به تکذیب‌کنندگان آیات خدا (مائده: ۸۶) کفران نعمت، طغیان و سرکشی مستحقین خشم الهی و مهلکان (طه: ۸۱) و... و ایجابی، امر به عمران و آبادانی (هود: ۶۱)، حفظ توازن محیط زیست (طلاق: ۳) تسخیر محیط زیست (ابراهیم: ۳۳) حیات، انفال (انفال: ۱) محشورشدن خلائق در روز قیامت (رعد: ۲۵) و... حداقل باید‌ها و نبایدهای ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب و کراهت، تضمین حق جمعی و منفعت همگانی استظهار می‌شود با تأمل در آیات می‌توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروای از آن و وجوب حفظ محیط زیست را به دست آورد؛ حدود ۱۹۸ آیه متضمن مضامین محیط زیست بود و نیز ۴۴۴ آیه به زمین اشاره شده که ۹۰ آیه آن در رابطه با محیط زیستی باشد. بعضی از این آیات جنبه ایجابی و آمرانه دارد، بعضی نیز کیفیت شکل‌گیری و اهمیت زمین در ارتزاق مردم را گوشزد می‌نماید، مفاد بعضی از آیات ویرانگری در نسل و محیط زیست حرام می‌داند. بنابراین قرآن کریم، مهد ساز و کارهای نظارتی و حمایتی و پیشگیری در راستای حفاظت از

محیط زیست است که فرد معتقد و با ایمان و عادل و توحید باور و معاد انگار می‌طلبد که این مفاهیم را استخراج و عمل نماید.

۲- سنت

حق بر محیط زیست با دقت در مضامین روایات که کیفیت تعامل با طبیعت (آب، خاک، هوا)، جانوران، گیاهان، اشجار و... را بیان می‌کند (۲۷). حتی روایاتی که از ائمه اطهار (ع) درباره قوانین جنگی رسیده است (۲۷). با مباحث اخلاقی و محیط زیستی و رعایت حقوق حیوانات (۱۹) و گیاهان (۲۹) و به طور کلی طبیعت پیوند می‌خورد. از جمله ممنوعیت قطع درختان، آلودگی آب‌ها و مسموم کردن آب‌ها (۳۰) که آسیب وارده به این عناصر عمدتاً از طریق آلوده نمودن آن‌ها صورت می‌گیرد و از عوامل مهم تزییع حق جامعه بشری محسوب می‌شود. از جمله رسول خدا (ص) نهی فرمودند: از مدفوع نمودن در کنار نهر آب، چراکه مردم از آن رنج می‌برند یا در نهر آب که موجب رنجش مردم می‌شود، از علی (ع) روایت شده که نباید در آب‌های جاری ادرار کرد، چه آنکه در آن زیست‌کنندگانی وجود دارند و نیز از آلوده کردن سواحل رودها و چاه‌ها نهی شده است. بر پایه روایاتی باید میان چاه‌های آب و چاه‌های توال فاصله باشد تا آب‌های چاه‌ها آلوده نگردد و... از همین رو است که امام علی (ع) می‌فرماید: «پيامبر (ص) از تغوط (دفع مدفوع) بر کنار آب روان و جوی خوشگوار و زیر درخت میوه‌دار نهی کرده است» (۲۳). همچنین در روایت دیگر آمده است: «رسول خدا نهی کرد از این‌که انسان ادرار کند زیر درخت میوه‌دار یا در مسیر راه و یا در آب راکد» (۲۹) و نیز فرموده‌اند: «لاتفسد علي القوم ماءهم» (۲۷) از آلوده کردن آب دشمنان بپرهیزید. بنابراین ذکر اهمیت آب و جلوگیری از آلودگی همگی نشانگر این است که آب به عنوان عنصری حیاتی و حق همگانی و حق الناس و دارای منفعت جمعی و از جایگاهی خاص برخوردار است؛ آلوده‌کننده ضامن و مسؤول است و نیز امام صادق (ع) فرمودند: «نهی رسول الله (ص) ان یلقي السم في بلاد المشركين؛ از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی فرموده‌اند.» وجه استدلال: وقتی ریختن سم که اعم از سموم در خاک یا هواست در سرزمین مشرکین نهی شده است به طریق اولی در سرزمین مسلمین حبس منعی است که عدم عمل به آن حرام خواهد بود که البته احکام وضعی نیز به آن استوار خواهد بود، مثل ابطال معاملاتی که نتیجه آن آلوده کردن هوای زندگی انسان‌ها باشد و نیز از امام صادق (ع) درباره تنفس هوای آلوده و توقف و زندگی در آن سؤال شد. آن حضرت

در جواب به این پرسش یک حکم کلی را مطرح فرمودند که راه‌گشای بسیاری از مشکلات و معضلات است. حضرت فرمودند: «هر چیزی که خوردنش (استنشاق، نوشیدن) برای بدن انسان ضرر داشته باشد، خوردنش حرام است، مگر ضرورت اقتضا کند» (۶).

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) تشویق به آینده‌نگری به خوبی ترسیم شده است و فرموده‌اند: «هر گاه نهالی در دست شما است و قیامت بر پا می‌شود در آن فرصت کوتاه آن نهال را بکارید» (۳۱). در روایت دیگر کاشتن درخت و جاری ساختن قنات و... در ردیف تعلیم دانش و ساختن مسجد شمرده شده است (۳۱). امام صادق (ع) می‌فرماید: «درختان میوه‌دار را قطع نکنید که خدا بر شما به شدت عذاب را فرود آورد» (۲۹). لقمان حکیم به فرزندش در هنگام سفر چنین سفارش فرمود: «چون به اترق رسیدی، از مرکب پیاده شو، نخست حیوان را علوفه بده و سپس به کارهای خود بپرداز» (۳۲). بنابراین طبیعت (گیاهان و حیوانات) قداست دارد، به آن‌ها توهین نکنیم. با دقت در مضامین روایات به تفکیک مظاهر طبیعت و عدم آلودگی هر یک از عناصر طبیعت، راه‌های بهره‌برداری بهینه از محیط زیست و تکالیف انسان‌ها نسبت به محیط زیست متجلی می‌شود.

۳- عقل

مقصود از حکم عقل در موضوع محیط زیست، بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتب اصولی متأخر مورد توجه قرار گرفته و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع، استوار شده است (۳۳). از نظر عقلی هر گونه اقدام که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است و تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن و تقویت توازن و تعادل عناصر آن، به حفظ نظام و بقای انسان بینجامد، نیکوست. آرای همه عقلا بر آن استقرار یافته و شارع نیز در مقام خالق عقل، با آن موافق است. در نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است (۳۴). عقلی بودن حکم، به منزله غیر شرعی بودن نیست، زیرا عقل یکی از منابع شرع، حفاظت از محیط زیست و جبران خسارت ناشی از تجاوز به آن را امری ممدوح و پسندیده می‌شمرد. می‌توان ادعان نمود که شناسایی حقوق محیط زیست از جمله احکام شرع نیز می‌باشد.

اصول مسلم فقهی و قواعد: (احکام حمایتی وضعی)

از آنجا که بسیاری از تحولات روزمره از امور حادثی است که در عصر تشریح و دوره‌های نزدیک بدان اثری از آن‌ها نبوده است، به طور طبیعی انتظار نمی‌رود احکام تکلیفی و وضعی مرتبط بدان‌ها به طور خاص از مدارک کتاب و سنت به دست آید. در این میان قواعد و اصول کلی شریعت از جمله قواعد: لاضرر، نفی عسر و حرج، ضمان ید، تسبیب، اتلاف، من له الغنم، تعدی و تفریط و... از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. بر اساس این قواعد، ثروت‌های عمومی و محیط زیست مربوط به همگان هستند و همگان ضمن برخورداری از حق، تکالیف خاصی هم بر عهده دارند، در غیر این صورت ضامن و مستوجب پرداخت خسارت می‌باشند که در اینجا فقط به شرح یک قواعد می‌پردازیم:

۱- قاعده لاضرر و لاضرار

قاعده‌ای است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی که برخی از فقیهان بدان اذعان نموده‌اند می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه‌های زیست‌محیطی بدان استناد نمود. با توجه به سند قاعده لاضرر، در قضیه سمره بن جندب ضرری (۱) که سمره ایجاد می‌کرد عدم ایجاد امنیت در روابط اجتماعی بود و هرگز ضرر شخص مطرح نبود، بلکه امنیت خانواده را به چالش می‌کشید که یک ضرر جمعی بود، لذا منطبق حقوق اسلامی به ما می‌آموزد تا با قیاس اولویت به ضرورت جبران خسارت ناشی از تجاوز به حقوق محیط زیست حکم نماییم (۲۳)، لذا قاعده لاضرر از قواعد حاکمه فقهی است به این معنا که بر هر گونه مقرر شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهند (۳۵)، این قاعده مستند به آیه ۲۳۳ سوره بقره، روایات متعدد، عقل و اجماع می‌باشد. طبق این قاعده هیچ کس نمی‌تواند فعالیت‌هایی که به زیان دیگری باشد انجام دهد، گرچه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران خسارت وارده شده است، حتی تمسک به اصل تسلیط، تا زمانی امکان‌پذیر است که بین آن و قاعده لاضرر تعارضی به وجود نیاید در غیر این صورت، اصل لاضرر راجح است (۳). این قاعده که در مسأله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، لذا هر گونه تصرف و تغییر در طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود، از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی، مادی، طبیعی، معنوی، روحی، روانی و... را می‌توان در قالب قاعده (لاضرر) بررسی کرد (۲۲)، مانند استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیر

استاندارد، واردنمودن مواد سمی به انحای مختلف به طبیعت (آب، خاک، هوا، دریا و...)، ایجاد اصوات ناهنجار در طبیعت، واردنمودن مواد و تجهیزات پزشکی مسموم به کشور، ایجاد پارازیت‌های مضر به انسان‌ها (سقط جنین، نارس بودن جنین و...) ایجاد معماری و شهرسازی با تخریب محیط زیست، تزریق هورمون‌های مضر مختلف به انعام ثلاثه و پرندگان مورد استفاده انسان، ورود سم‌های غیر مجاز در امر کشاورزی، عدم وجود نظارت دقیق در امر تولیدکنندگان مواد غذایی، ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس جشن و عروسی، بوق‌زدن‌های بی‌جای اتومبیل‌ها، سر و صدای غیر طبیعی، حتی صدای بلندگوی مساجد و هیأت‌های مذهبی و... اضرار به غیر و موجب ضمان و مستوجب مجازات است.

۲- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف که ارتباط تنگاتنگی با قاعده لاضرر دارد و از جمله قواعد اصطیادی است (۳۵)، به این معنا که مستند به روایت خاصی نبوده و از مضمون مجموعه‌ای از آیات (بقره: ۱۹۴؛ نحل: ۱۲۶) و روایات از جمله حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» برداشت می‌گردد که متضمن مسؤولیت شخصی است که غیر مستقیم موجب بروز خسارت گردیده است. بر اساس این نظریه شایع در فقه که به «قاعده اتلاف» شهرت دارد، هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است و می‌تواند در مصادیق اعمال حق بر محیط زیست و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. برخی از فقها تمسک به قاعده اتلاف را قاعده عقلایی و بدیهی برشمرده‌اند. برای مثال نراقی در عناوین می‌گوید: اثبات این که اتلاف موجب ضمان است نیازی به بیان ادله ندارد، لذا هر نوع آلودگی و تخریب محیط زیست موجب ضمان است، چراکه محیط زیست مال متعلق به مردم است. با توجه به این که در اتلاف، قصد شرط نیست بر این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده‌تری برای خسارت‌زندگان به محیط زیست دست یافت، لهذا بر اساس همین نظریه می‌توان اصل مشهور «آلوده‌کننده باید خسارت بپردازد» یا اصل «پرداخت خسارت توسط آلوده‌ساز» را توجیه نمود. از جمله روایات: ابی‌الصلاح از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که: «کل من اضر بشي من طريق المسلمين فهو له ضامن؛ هر کس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند، ضامن است» (۳۷) و نیز از نبی (ص): «من اخرج ميراً او كنيفاً او اوتد وتداً او اوثق دابه او حفر شيئاً في طريق المسلمين فاصاب شيئاً فغضب فهو له ضامن؛ هر کس ناودانی

یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند، یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین افتد، ضامن است» (۱۸). گاهی نیز مبنای مسؤولیت تلف، تقصیر ذکر گردیده است. محقق کرکی می‌گوید: «و تضمن الراعي بتقصيره بان ينام عن السائمه او يغفل عنها... او يسلک بها موضعاً يتعرض للتلف» (۳۸). چوپان ضامن تلقی می‌گردد به واسطه تقصیری که در مورد گوسفندان مرتکب شود، به این صورت که با خوابیدن یا غافل‌شدن (آسیبی به گوسفندان برسد) یا این‌که گوسفندان را از مسیری ببرد که در معرض تلف قرار گیرند. همان‌گونه که مد نظر است، در اتلاف، تقصیر نهفته است، ولی در تسبیب صرف استناد ضرر کافی است، در این بیان محقق کرکی لفظ تقصیر را نیز به کار برده است. گاهی نیز مبنای مسؤولیت تلف، مسؤولیت مطلق، یعنی بدون اثبات تقصیر، تلقی شده است. صاحب وسایل در این زمینه روایتی نقل می‌نماید که: «من تطبب او تبطر، فليأخذ البرائه من وليه و الا فهو له ضامن؛ هر کس طبابت انسان و یا مداوای حیوان نماید، می‌باید ابتدا از ولی یا مالک أخذ برائت نماید و الا در صورت بروز زیان، ضامن خواهد بود» (۱۸). بیان مرحوم صاحب جواهر را در این زمینه که ادعای اجماع کرده است نیز می‌توان تأییدی برای این ادعا بر شمرد، ایشان در ذیل بحث مسؤولیت پزشک و دامپزشک می‌گوید: «من ذلک يعلم الحال في ضمان الحجاجم و الختان و ان لم يتجاوز لمحل القطع اذا اتفق حصول التلف بفعله؛ از همین جا وضعیت ضمان حجامت‌گر و ختنه‌کننده روشن می‌شود که ولو از میزان معمول تجاوز نکرده باشند، همین که تلف منتسب به آن‌ها باشد، ضامن شناخته می‌شوند.» محقق کرکی در مورد صنعت‌گر تصریح دارد که: «ولو حاذق باشد و تقصیری هم نکرده باشد، در قبال خسارت وارده ضامن می‌باشد.» گاهی نیز مسؤولیت تلف مبتنی بر اماره تقصیر معرفی گردیده است. مراد از فرض تقصیر این است که اماره بر این نهاده می‌شود که عامل زیان مقصر است، منتهی این حق را دارد که عدم تقصیر خود را ثابت نماید و از مسؤولیت بری گردد؛ برخلاف مسؤولیت مطلق (بدون اثبات تقصیر) این حق به عامل زیان داده نشده که حتی بی‌تقصیری خود را ثابت نماید (۳۹). کما این‌که محقق ثانی در مسؤولیت صنعت‌گر ادعای اجماع نموده و گفته است: «لا يسقط وجوب ضمانه، عدم التقصير» (۳۸) که مسؤولیت این‌گونه افراد را اثبات عدم تقصیر، منتفی نمی‌نماید از جمله دلایلی که برای اماره تقصیر (نه مسؤولیت مطلق) ارائه شده است، دلیل ذیل است که ابوبصیر می‌گوید: «از امام صادق (ع) در مورد رنگریزی پرسیدم که لباسی به او سپرده شده بود و

رنگرز ادعا می‌کند که این لباس از بین لباس‌های او به سرقت رفته است. امام (ع) فرمود مگر این‌که رنگرز بینه‌ای اقامه نماید که لباس به سرقت رفته که مبرا شود، چنان چه کلیه لباس‌ها به سرقت رفته (بینه‌ای بر عدم مسؤولیت رنگرز است) و چیزی متوجه رنگرز نیست» (۱۸). از بیانات مرحوم شیخ مفید و سیدمرتضی نیز چنین به دست می‌آید که صاحبان پیشه مقصر تلقی می‌گردند، مگر این‌که عدم استناد زیان به خود را اثبات نمایند (۳۹). از بیانات فوق می‌توان نتیجه گرفت حکم اولی در اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی، حرمت و از جهت وضعی ضمان است (۱۴). اتلاف هم همانطور که در رابطه قاعده لاضرر توضیح داده شد، در روابط بین افراد و مابین افراد و محیط پیرامونشان حاکم است. به همین جهت هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست گردد، موجبات ضمان فاعل آن فراهم خواهد کرد (۴۱). بنابراین هر گونه تلف‌کننده ابعاد محیط زیست، ضامن است مگر به طریق شرعی از خود بری نماید. به طور خلاصه می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر کسی با ایجاد آلودگی‌های محیط زیستی به گونه‌ای به طبیعت آسیب برساند که باعث تخریب محیط زیست و اتلاف سرمایه‌های طبیعی همگانی شود، مکلف به جبران خسارت است

۳- قاعده تسبیب

بر اساس این نظریه، هر کس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود، باید از عهده خسارت وارده برآید، لذا در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد که از منظر آموزه‌های دینی هر سببی را که منجر به عدم تعادل محیط زیست و تخریب آن بیانجامد طبق این قاعده مسبب مسؤولیت دارد، اما سببیت، قاعده مناسبی برای جبران کامل و سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست نیست، چراکه در غالب موارد مربوط به خسارات زیست محیطی اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار رو به روست. فقهای امامیه نیز این قاعده را مورد نقد قرار داده‌اند. صاحب جواهر معتقد است موجب مسؤولیت مدنی اتلاف است نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز معیار و ضابطه، روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت، مسؤولیت مدنی را به موارد مشابه سرایت داد (۱۹). برخی از فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً «تحقق عرفی اتلاف» را مبنای مسؤولیت قرار داده‌اند (۳۷)، البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل قلمداد نموده‌اند. علامه حلی می‌گوید: «السبب ما لولاه ما حصل التلف لكن التلف مستند الي غيره كحفر البئر» (۱۷). در فرق سبب و تلف، ضمن

توجه به این که در تلف ضرر به صورت مستقیم وارد می‌شود و در سبب به صورت غیر مستقیم، ایشان می‌گویند سبب آن است که اگر نبود، تلف حاصل نمی‌شد، اما با این فرق که تلف در اینجا مستند به فعل غیر است مثل کندن چاه (که دیگری در آن افتد)، علی ای حال می‌توان گفت: هر گونه اسبابی که منجر به تخریب و آلودگی محیط زیست گردد، موجب ضمان است.

نتیجه‌گیری

مسأله محیط زیست به دلیل ارتباط تنگاتنگ با حیات انسانی به خوبی مورد عنایت شریعت، کتاب، سنت، اجماع، عقل و تعدادی از قواعد فقهی قرار دارد از آنجا که خالق هستی منبع وضع مقررات است هم حق و هم متعلقات آن را به انسان داده و برای استیفای حق، تکالیفی را بر دوش آن‌ها گذاشته است در فقه و حقوق نظریه‌ها و قواعد مختلفی درباره مسؤلیت جامعه بشری می‌توان یافت که عده‌ای نظریه مبتنی بر تقصیر، کار نامتعارف، خطر، لاضرر، اتلاف، تسبیب و احترام اموال را مطرح نموده‌اند که با توجه به منابع غنی فقه امامیه و مبانی حق بر محیط زیست و راهکارهای نظری و عملی حفظ محیط زیست می‌توان دریافت که دین اسلام با رویکرد امانت‌گونه نسبت به محیط زیست نگرینده است و وظیفه انسان در قبال حفظ و برخورداری از محیط زیست سالم برای کلیه جامعه بشری می‌باشد. نحوه بهره‌برداری از محیط زیست در فقه با رویکرد امانت‌گونه (تعهد، تکلیف، ولایت الهی) است، لذا هر گونه تخریب و نابودی و آلوده کردن محیط زیست و منابع طبیعی که متعلق به کلیه جامعه بشری است، امری مذموم و ناپسند بوده و در واقع ظلم در حق دیگران است و از منهیات دین اسلام است. تنها غفلت از ذات باری تعالی، موجب تجاوز و تعدی و به هم‌زدن مناسبات متعادل محیط زیست می‌گردد. وظیفه امانت‌داری ایجاب می‌کند که با مخربان محیط زیست برخورد شود، چراکه دادخواهی، حق مسلم ابنای بشری است، آموزه‌های فقه امامیه در حق بر محیط زیست توان حق‌انگاری محیط زیست و تحقق یک مسؤلیت جمعی در قالب مسؤلیت حقوقی است. حفظ این امانت الهی نسل به نسل ادامه دارد، لذا محیط زیست حق دارد که از آن بهره‌برداری شود و حق دارد که از آن سوء استفاده نشود، چراکه کل کائنات در خدمت انسان و برای انسان است، لذا مقتضای حق جمعی، حق بهره‌برداری مکلف به بهینه استفاده کردن، ضررزدن به جامعه بشری، تضمین منفعت جمعی که این امر نیز مبتنی بر تربیت مؤمنان امانت‌دار، خداباور، توحیدمحور و معادانگار

است. این تحقیق با نگاه حقوق نسل سوم بشر، حق بر محیط زیست را با توجه به مبانی و منابع منبعث از آموزه‌های دینی، تثبیت و شناسایی نموده و تعهدات انسان نسبت به محیط زیست با توجه به رویکرد امانت‌گونه تبیین و مسؤولیت انسان در قبال این حق را تصریح نمود. روشن گردید که صرف قانونمندشدن جوامع انسانی، تدوین قواعد و قوانین خشک و الزام‌آور، تشکیل کنفرانس‌ها و محدودکردن علت اصلی بحران زیست محیطی در موضوعات ظاهری و مادی کافی نیست باید به دنبال تأمین و تضمین این حق در فقه و با پشتوانه قوی الهی آن را تضمین نمائیم و این امر میسر نمی‌شود مگر با تقویت بنیه دینی، پروراندن انسان‌های امانت‌دار و متعهد، آگاه‌نمودن جوامع بشری نسبت به این حق جمعی، دستورات فقهی اسلام و قانون منبعث از آن می‌باشد و به این صورت اجرا و موفقیت آن را تضمین می‌کند، گرچه شکارچی مسلماً نمی‌تواند یلی را شکار کند و به چنگ نگهبانان منطقه حفاظت شده نیفتد، اما اگر چارچوبی بر اساس اصول اسلامی برای حفظ محیط زیست انتشار یافته باشد او می‌داند که نخواهد توانست از چنگ نگهبان همیشه مراقب الهی نجات یابد و باید پاسخگوی تعدی و تجاوز اعمالش باشد. به نظر می‌رسد این مقاله توانسته باشد ابعاد مختلف مسؤولیت انسان در قبال محیط زیست را بیان کند و انگیزش لازم را در جان متشرعان برای عمل به وظایفشان پدید آورد.

یادمان باشد باید طبیعت را نجات دهیم و گرنه خود نیز نجات پیدا نخواهیم کرد، چراکه بازخورد اعمال مثبت و منفی تک‌تک افراد در کل افراد جامعه تأثیر قطعی دارد. ما در قبال خود و دیگران و محیط پیرامون خود مسؤول هستیم، این مسؤولیت همگانی نیازمند کار گروهی است، احترام به طبیعت، احترام به زندگی، احترام به زندگی، احترام به خالق هستی است.

References

1. SaduqQomi M. Man la yahduruhu al-Faqih. Translated by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Publication Saduq; 1409. Vol.4 p.96, 191. [Arabic]
2. Amir Arjmand A. Environmental Protection and International Solidarity. Journal of Legal Research. 1995; 15: 323. [Persian]
3. Mohaggeg Damad M. The rules of jurisprudence. 1th ed. Tehran: Islamic Sciences; 1384. Vol.4 p.2, 30, 186, 156. [Persian]
4. Sadeghi A, Akbariyan A, Shaker M. New approaches to religious themes in environment protection. Tehran: Research and field; 1386. p.157-177. [Persian]
5. Zarvaani M, Khodaajouyan F, Safeguarding the Environment in Verses and Narrations. Tehran: Scientific and Religious Research Journal; 2005. 2: 251. [Persian]
6. Abn Shabeh Al Harani H. Tohaf Alogool. Translated by Ahmad Jannati. Qom: Islamia Seminary Press; 1409. p.169, 218, 337. [Arabic]
7. Jason MF. Third Generation Rights. What Islamic Law can teach the International, human rights movement?. Yale Human Rights and Development L J 2005; 8: 91-102. [English]
8. Raei M. Human Rights and Monitoring Mechanisms in International Documents and Fiqe, Knowledge of Rights, Specialized Scientific Quarterly. 2012; p.14. [Persian]
9. Tabatabaei M. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. 1th ed. Qom: Islamic Publications Office; 1417. Vol.5 p.96, 180, 354. [Arabic]
10. Mousavi Khomeini R. The record of light. 1th ed. Qom: Publication of Imam Khomeini and regulation works; 1378. p.123, 269. [Arabic]
11. Shahidi J. The translation of Nahj al-Balagha. Tehran: Organization of the Islamic Revolution Publications and Education; 1372. p.204, 1069. [Persian]
12. Soltani M. Jurisprudence Rules and the Environment. Available at: Tebyan Site; 2007. p.146. [Persian]
13. www.HaghGostsr.ir.
14. Dilshad J. Nahj Alfsahh. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies; 1384. p.226. [Arabic]

15. Ziaei Bigdelli M. The public international law. Tehran: Library Treasure of Knowledge; 1374. p.148. [Persian]
16. Hosseini Khamenei A. Message to Congress on environmental law. Tehran: Iran Press; 1382. p.10. [Persian]
17. Ibn Idris Helli M. Saraer, system throughout. 2th ed. Qom: al-Islami Institute Publishing House; 1411. p.211, 264, 494. [Arabic]
18. Jby Ameli H. Shhydsany, masalek Alafham. Qom: Bita, al Encyclopaedia Institute; 1403. p.120, 166, 322-323. [Arabic]
19. Najafi M. Jewelry al-kalam fi Valhram Alhlal issues. Research by Abbas Qomi Ghochani. Beirut: Restoration of Altras Arabi; 1367. p.66-67, 69, 541, 550. [Arabic]
20. Ismaili A, Rzanyan M, Vazirinejad R, Mehdiyan F, Tabatabai Z, Salem Z. The Environmental Protection in Islam. Rafsanjan University of Medical Sciences 1386; 6: 59, 174. [Persian]
21. Ibn Abil Hadid A. Description of Nahj-al-Hadid. Research by Abu-al-Fazl Ibrahim. 2th ed. Beirut: Dar Ahya'altras-al-Arabi Publishing; 1378. p.124, 127. [Arabic]
22. Hosseini F, Amigh M. Environmental ethics in Islam. Qom: Publishing Motahari; 1385. p.77, 116. [Persian]
23. Mjlesi L. Bahar Al Anvar. 3th ed. Beirut: Dar Alahya'altras Arabi; 1403. Vol.7 p.98, 170, 273, 290. [Arabic]
24. Tamimi A. Efficiency, Ghurar al-Hikam WA Durar al-Kalim. Translated by Mohammad Ali Ansari. Beirut: Institute Alalmy Llmtbvat; 1407. p.151. [Arabic]
25. Katoziyan N, Ansaari M. Responsibility Arising From Environmental Damages. Journal of Faculty of Law and Political Sciences 1908; 4: 14. [Persian]
26. Taghizadeh Ansari M. The environment, criminal law. 1th ed. Tehran: Publication Ghomes; 1376. p.64. [Persian]
27. Kolaini Y. Osool-e-Kaafi. Translated by Javad Mostafavi. 5th ed. Teharan: Daar-al-Kotob-al-Islaameiyah; 1984, p.16, 27, 65, 143, 216. [Arabic]

28. Hor Al Ameli M. Wasael-al-Shie to study Sharia issues. Beirut: al-Arabi Daralhya' Altras; 1403. p.39. [Arabic]
29. Hor Al Ameli M. Vasaael-al-ShieahIla Tahseel Masaail-al-Sharia. Beirut: Daar-al-Hayaa-al-Toraath-al-Arabi; 1403. p.228. [Arabic]
30. Asgari P, Eslamipour K. Environment great blessing of God. Missionaries Journal 1999; 1: 45-57. [Persian]
31. Heydari GH. Nahj Alfsahh. Qom: Ansariyan Institute; 1379. p.497, 713. [Arabic]
32. Nehaavani A. Serving Culture. 1st ed. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 2003. p.65. [Persian]
32. Mozaffar M. Osool al-fiqh. 3th ed. Qom: Islamic Propagation Office; 1368. p.200, 210. [Arabic]
33. Jafari M. Resale Fighi. Tehran: Leaflets and dignity; 1419. p.154. [Arabic]
34. Mostafavi M. Al Gavaed, the difference rule Fqhyh, means and Mdrka and Mvrda. Qom: Office Nshraslamy; 1421. p.264. [Arabic]
35. Mousavi Al Khoei A. Misbah-al-Faghaaha. Tagrir Mohammad Ali Tauhidi. Qom: Ansariyan; 1417. p.525. [Arabic]
36. Hosseini AL, Maraghei A. Alnavyn-al-Fiqhiyah. Al tabeh starters. Qom: Institute of House-Islam; 1417. p.68, 445. [Arabic]
37. Karki A. Jame Al Magased. Qom: Al- Bayt Institute; 1408. p.281, 267. [Arabic]
38. Fahimi A, Mashhadi A. Shiie and environmental change in the fundamental principles of civil liability. Journal of Law, Faculty of Law and Political Science 2011; 1: 321, 322. [Persian]
39. Farahi A. Research Alfqhyh per jurisprudential-rule. Qom: Islamic Publication; 1430. p.14. [Arabic]
40. Fahimifard A. Philosophy of environmental law and its effects. Journal of Qom University 1389; 3: 194. [Persian]
41. Fahimi A, Arabzadeh A. Juristic and legal principle of environmental law. Bulletin of Islamic Law 1391; 35: 189.